

Carl Sandburg



آمریکا سلام... ❁

این: «راه آهن سراسری آمریکا» را شنیده اید: ترانه‌هایش را می‌گوییم:
ترانه‌ی سیاهان آتشکارش را! و سوزن‌بان سیاه‌مستش را. و سرودها که از
یکانگان آن دیار.. هر تکه آهن، خونی سرخ بر زمین سخت غرب افشاند
و چابک سوارانی چابک دست بکا زار کشاند. «داستان غرب» داستان
راه آهن است، قصه‌ی آهن و آتش، و این ترانه تنها سینماگران آمریکائی،
که «فراست» هم نموده اند و «سندبرک» ها. سرگذشت کوه و دشت را سروده‌اند
و غم سرگران سرگردانی را. اینجا قطار، همان تمثیل کهن، همان
کاروان است، که پیش می‌رود، می‌پراکند و همیشه امید باز پیوستنی هست:
« چون امیدی سپید.»

سندبرک، اتماشاگر شهرها و آئین‌ها خوانده اند و آسمان خراشها،
وسیمهای تلگراف تا یرنده‌ای بر آن بنشیند. چهره‌ی بیدار افسوس کننده‌ایست:
عریانی‌ها را می‌بیند، طنز، جان شعراست. جنگید تا خودی نمود؛ سال
۱۸۷۸ دنیا آمد در شهر گیلبرک Gilburg ایلی نویز. سوئدی نژاد است.

❁ عنوان شهری است از سندبرک؛ در ستایش آمریکای وافعی، آمریکای

خودش.

نامنظم درس خواند، دقت «پورتوریکو» * و در جنگ آمریکا اسپانیا
 سرباری بود ساده، بعد از جنگ دانشنامه‌ای از دارالمعلم لومبارد * گرفت
 (۱۹۰۲) آگهی نویس، ر نامه نویس و تشکیلات چی حرب سوسیالیست -
 دموکراتیک شهر ویسکانسین شد، دستیار شهر دار سوسیالیست میلواکی
 بود * * * (۱۲ - ۱۹۱۰). اولین شعرهایش را، خصوصی، در جزوه‌ای چاپ
 زد (۱۹۰۴) تا سال ۱۹۱۴ کسی شاعر نمی‌شناختش. نشریه Poetry چند
 تکه‌ای از کارهایش را چاپ کرد - از جمله «شیکاگو» را - جسورانه زبان توده
 را بکار برده بود و شعرهای بی‌وزن و قافیه‌اش هیاهوئی بی‌پا کرد. از
 سروران «گروه صنفیان شیکاگو» شد؛ که داشت با می‌گرفت.

«شعرهای شیکاگوئی» (۱۹۱۶) با وجود چنین عنوانی، شعرهای
 امپرسیونیستی توانائی چون «مه» - «چمن» را حاوی بود؛ و نیز شعرهایی
 چون «من، مردم» و «توده» را، که موقع اجتماعی‌اش را مینمود. این
 شعرها تصویرهایی خشن و نیرومند از آمریکائی بود که میشناخت. و از
 «ویتمن» آموخته بود که آنرا تمثیلی از زندگی آزادانه و بی‌درو بند
 دموکراسی موعود بدانند.

تملقش به مردم ساده و «چیزهای بیش با افتاده»، هم صلابت و خشونت
 و هم تازگی و مهربانی‌اش بخشید. که توانا ترین نمونه‌های آنرا در
 مجموعه‌های چون «دود و فولاد» میخوانید.

رنالیم او حاصل زندگی شخصی اوست و با مهر و رنگ و خیال آمیخته
 است. خواسته‌ات زبانی بیافریند برای آمریکا و با فکر و لحن
 آمریکائی در شعرهای بعدیش «آری، مردم» (۱۹۳۱) روح آمریکا و
 آمریکائی را با زبان ترانه‌ها و افسانه‌های توده، بیان میکند. جز روزنامه
 نویسی و شاعری، تذکره نویس مشهوری هم هست و بیوگرافی لینکلن او
 شهرت دنیائی دارد. سند برک و اورت بی‌منازع ویتمن است آمریکائی ترین
 شاعر آمریکا است؛ بی‌آنکه دنیائی نباشد.